

که بیرون از باشگاه چه شغلی و کاری دارد، اما در محیط رزمی همه یک لباس می پوشند و بر اساس ارشدبودنشان و براساس آموزش هایی که دیده اند، باید اخلاقی تر باشند. کلاسمان را با سلام و صلوات شروع می کنیم و با سلام و صلوات پایان می دهیم. به هنرجو می آموزیم اگر به قدرت بدنی مناسب رسید، باید در خیابان که راه می رود، سرش پایین باشد، نه اینکه مانند جاهل هاراه برود و خودنمایی کند. خدا را شکر که همه شاگردان ارشدم، افرادی بسیار مؤدب هستند و به هر کسی که وارد باشگاه بشود، فوق العاده احترام می گذارند و براساس اصول سبک، به او تعظیم رزمی می کنند.

❖ انتهای آرزوی ورزشی شما چیست؟

هر ورزش کار رزمی که به صورت جدی تمرین می کند، دوست دارد قهرمان استان و کشورش و در ادامه قهرمان جهان شود و در المپیک شرکت کند. از این ها بالاتر هم اینکه برای خودش سبکی در ورزش های رزمی ابداع کند و آموزش دهد. من به این مسئله رسیدم و به مسابقاتی که خواستم، رفتم؛ اما یک آرزو دارم. آرزویم این است که مدرسه ای رزمی در همین منطقه پایین شهر افتتاح کنم و به بچه هایی که استعداد ورزش رزمی دارند، اما امکان مالی ندارند، به صورت رایگان آموزش بدهم. در این منطقه شهریه ورزشی را نمی توانند پرداخت کنند. ای کاش اداره تربیت بدنی سوله یاسانی را برای این کار در اختیارم بگذارد تا بتوانم به صورت رایگان خدمت کنم.



در محدوده ای که زندگی می کنم، پدر و مادرها مراجعه می کنند و برای ورزش کار شدن فرزندانشان راهنمایی می خواهند. مکرر می آیند و سؤال می کنند «پسر یا دخترمان برای چه رشته ای مناسب است؟» و من براساس تجربه و نیز آموزش هایی که در همه این سال ها دیده ام، پیشنهادم را بیان می کنم. لزوماً توصیه به ورزش رزمی هم نمی کنم. گاهی حتی بچه هایی را مناسب فوتبال یا شنا دیدم و همین را هم به خانواده هایشان توصیه کردم.

❖ چه خاطره مهمی از ورزش دارید؟

همه جوهر خاطره دارم؛ از درون باشگاه تا زمان برگزاری مسابقات داخلی یا خارجی. زمانی برای شرکت در سمیناری ورزشی به چین رفته بودم. در خیابان، پیاده به محل سمینار می رفتم که یک نفر ناگهان به من گفت «استاد سلام». گفتم شما؟ گفت «۲۰ سال قبل در فلان باشگاه شاگرد شما بودم و الان برای سفر تجاری به این کشور آمده ام». حس خوبی است که در غربت شما را بشناسند و آن فرد شاگرد رزمی قدیمی شما باشد. افراد اعتماد بسیاری به باشگاهم دارند. روزی پدری با پسرش سه ساله اش به باشگاه آمد و پسرش را به من سپرد. طی چهار سال، آن کودک مراحل ورزشی را به سرعت طی کرد. روزی پدرش در حالی که از مراحل کار اطلاعی نداشت، به باشگاه آمد و وقتی شنید که کودک ۱۰ ساله اش در مسابقات استانی در رده خودش اسم و رسم دار است، خیلی تعجب کرد. آن پسر ۱۰ ساله الان ۲۲ ساله و قهرمان کشور است و هم اکنون در کنار خودم مربیگری می کند و اگر خودم نباشم، می تواند کلاسی با حضور ۲۰۰ شاگرد را اداره کند.

❖ بروسلی را دوست دارید؟ چرا این قدر محبوب است؟

کسی هست که بروسلی را دوست نداشته باشد؟! بروسلی اسطوره رزمی کارهاست. بروسلی زمانی که وارد جایگاه جهانی رزمی شد، فیلم هایی را روی پرده سینما برد. او در همه فیلم هایش دشمن افرادی است که به مردم ظلم می کنند. او با چابکی و توانایی بالا در برابر لشکر ظالمان ایستادگی می کند و ترسی به خود راه نمی دهد؛ همین موضوع از او چهره ای فراموش نشدنی ساخته است.

❖ تا حالا شده در خیابان با کسی دعوی فیزیکی کنید و از تکنیک های رزمی بهره ببرید؟

(اندکی فکر می کند) با این شدتی که می گویند نه! یک شب که زمان کارم در باشگاه تمام شده بود، پس از تعطیل کردن کلاسم، یک موتور با سرعت از کنار من و برادرم که سوار موتور بودیم، رد شد. ما تازه راه افتاده بودیم و سرعتی نداشتیم. راننده موتور جلوتر ایستاد و با دستش تهدید می کرد. به او گفتم «سرعتم حتی ۵ کیلومتر نبود و تو با سرعت ۱۰۰ در حال حرکت بودی» که ناگهان به طرف من حمله ور شد. من در ترک موتور بودم و برادرم هم که قهرمان بین المللی رزمی است، راننده موتور بود. فرد به ما حمله کرد اما هیچ کدام از ما دو نفر کمترین واکنشی نشان ندادیم. جلو آمد و باز سرو صدا کرد. گفتم «من عذر خواهی می کنم؛ لطفاً بروید. اگر ناراحت هستید می توانم در باشگاه را باز کنم که مقداری تمرین کنید تا آرام شوید.» فرد تازه متوجه شد که مربی رزمی هستم و ورق برگشت. عذر خواهی کرد و رفت. او از فردا به باشگاه آمد و ثبت نام کرد و تا پنج سالی که بعد از آن شب، در مشهد بود، مداوم به باشگاه می آمد.

❖ اگر تکنیک هایی که آموزش می دهید، با آموزش اخلاق همراه نباشد ممکن است فردی از آن سوء استفاده کند و باعث آسیب به افراد دیگر شود. چه تدابیری برای اینکه به این نتیجه نامناسب نرسیم، اتخاذ کرده اید؟ همراه با آموزش تکنیک ها و حتی پیش از آن ها، من و کمک مربیانم به هنر جوان رزمی، قوانین باشگاه و احترامات لازم را آموزش می دهیم. اصولاً حال و هوای باشگاه به نوعی است که فرد، قانونمند و با اخلاق می شود و خود را در چهار چوبی مشخص تعریف می کند. به او می آموزیم



مسئله برمی گردد به علاقه فرد؛ باید آزادی انتخاب بین ورزش ها و انواع سبک و سنگینشان وجود داشته باشد تا افراد بر حسب توانایی جسمی و علاقه روحی، رشته مدنظرشان را پیدا کرده و دنبال کنند. شاید عده ای از اینکه به ورزش رزمی بیایند و لگد و مشت بخورند، خوششان نیاید. آن ها به پارک می روند و نرمش می کنند اما عده ای پرانرژی وجود دارند که جز با ورزش های سنگین رزمی نمی توانند به آرامش و رضایت روحی برسند. سال های قبل، وقتی فیلمی از بروسلی در تلویزیون پخش می شد یا در کانون فرهنگی مسجد محل اکران می شد، می دیدم که دست کم ۱۰ نفر برای ثبت نام به باشگاه می آیند. الان هم ورزش های رزمی، علاقه مندان خودش را دارد.

❖ چه تعداد هنر جو داشته اید؟ چه تعداد از آن ها به مراحل عالی رسیده اند؟

از ۱۸ سال قبل، مجموعاً بنابه اطلاعاتی که در کامپیوتر مرکز ورزشی ام ثبت شده است، حدود ۱۸ هزار نفر ثبت نامی داشته ایم؛ به طور متوسط، سالانه هزار نفر. گرچه تا پایان سال شاید فقط ۲۵۰ نفر بمانند. از این ۲۵۰ نفر، ۵۰ نفر به مشکمی می رسند و از میان آن ۵۰ نفر، ۵ نفر مربی می شوند و از این ۵ نفر نیز نهایتاً ۲ نفر استاد می شوند. مسیر رسیدن به مراحل بالای ورزشی سخت است. علاوه بر حمایت خانواده فرد، حمایت مالی هم باید وجود داشته باشد.

استعدادهایی در همین باشگاه وجود دارند که همواره در مسابقات ملی اول هستند، اما چون حامی مالی ندارند، نمی توانند به مسابقات برون مرزی بروند. ۵ نفر از شاگردانم در تیم ملی بوده و هستند.

❖ باشگاهتان را کی بازمی کنید و کی می بندید؟

صبح وقتی بیشتر افراد هنوز خواب اند یا برنامه های روزانه شان را شروع نکرده اند، من در باشگاهم هستم؛ حدود ساعت ۷ یا ۷ نیم. تا حدود ساعت ۱۱ شب در باشگاه هستم.

❖ بخشی ورزشی برای خانم ها هم دارید؟

اخیراً نصف روز یعنی شیفیت صبح را به خانم ها اختصاص دادیم. همسر رزمی کار هستند و مربیگری خانم ها را برعهده دارند. ایشان دان ۴ دارند و نایب رئیس سیستم تک کونگ موسول در سطح کشور هستند. اجازه بدهید از پسر هم بگویم. پسر محمد امین چهارده ساله است و قهرمان چندین دوره مسابقات کشور است و بنیامین پسر ۷ ساله ام چندین مقام استانی دارد. هر دو پسر هم وقتی تکنیک اجرا می کنند، من و مادرشان بالذت به اجرای حرکات رزمی پسرانمان نگاه می کنیم و قند توی دلمان آب می شود.

❖ در خانه وقتی با همسرتان جروبخت می کنید، کار به مبارزه رزمی و استفاده از تکنیک هم می رسد؟

(می خندد) نه. در حد گفتگو باقی می ماند؛ البته در خانه گاهی با هم تمرین رزمی انجام می دهیم.

❖ اگر در محله ای که زندگی می کنید، قصاب یا مکانیک یا خیاط بودید، واضح بود که چه خدماتی می توانید به سایر هم محله ای ها بدهید. در این میان کسی که مثل شما ورزش کار حرفه ای است، چه خدمتی می تواند ارائه کند؟

وجود فرد ورزش کار باعث خاطر جمع بودن افرادی است که در جوار او زندگی می کنند. همچنین سالم بودن تن و روان او این اجازه را به کژی ها و تباهی ها نمی دهد که در اطراف محل زندگی اش حضور داشته باشد. شاید جالب باشد که بگویم عموم کاسبانی که در اطراف ورزشگاه من مشغول کار هستند، به محض اینکه باشگاهم را تعطیل می کنم، آن ها هم مغازه هایشان را می بندند! تا زمانی که باشگاهم باز است، آن ها خاطر جمع تر هستند، خودشان می گویند «برای ما دلگرمی هستی».